

مقایسه تطبیقی دولت‌های موقت در انقلاب‌های بزرگ مورد مطالعه انقلاب فرانسه، روسیه، الجزایر و انقلاب اسلامی

حسین محمدی سیرت*

محسن عباسی**

چکیده

انقلاب‌ها پدیده‌هایی هستند که کماکان ضرورت پژوهش را دارند. پژوهش حاضر در منظری تطبیقی - تاریخی در چارچوب نظریه‌ی کرین برینتون یکی از ویژگی‌های به ظاهر مشترک انقلاب‌های بزرگ، یعنی تشکیل و سرنوشت دولت‌های موقت را مورد بررسی قرار داده است. روایت و اشتراکات و افتراقات دولت‌های موقت چهار انقلاب فرانسه، روسیه، الجزایر و انقلاب اسلامی با کاربردی روش تطبیقی - تاریخی مورد بحث قرار گرفته است. دولت‌های موقت اقدامات مشترکی چون تعیین تکلیف قضایی و امنیتی نخبگان سیاسی رژیم پیشین، تدوین مقررات جدید دولت انقلابی و فراهم‌سازی الزامات ایجاد ساختارهای پایدار نظام سیاسی نوین را رقم می‌زنند. لکن ترکیب، مراحل شکل‌گیری، عملکرد و سرنوشت آنان متفاوت است و همین امر در نسبت با نظریه‌ی برینتون بیانگر آن است که در سطح مراحل تکاملی ادعایی وی در انقلاب‌ها، از جمله روی کار آمدن میانه‌روها و سپس رادیکال‌ها و سرنوشت جبری انقلابیون به اصطلاح تندرو؛ یعنی ترمیدور، خدشه وارد است.

واژگان کلیدی

دولت موقت، انقلاب فرانسه، انقلاب روسیه، انقلاب الجزایر، انقلاب اسلامی.

*. استادیار گروه معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران (نویسنده مسئول).
mohammadisirat@isu.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی، گرایش انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران.
m.abbasii1414@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۱۳

مقدمه

یکی از وجوه مشترک انقلاب‌های بزرگ روی کار آمدن دولت‌های موقت پس از پیروزی انقلابیون است. معمولاً اعضای دولت موقت متشکل از میانه‌روهایی است که از انقلابیون اولیه کم‌حرارت‌تر و کم‌شورترند، البته همراهی و همکاری‌هایی را نیز در پیروزی انقلاب داشته‌اند. چرایی اعتماد به چنین نیروهای سیاسی پس از انقلاب و سرنوشت آنها بعد از مدتی؛ یعنی حذف و طرد از صحنه قدرت، موضوعی به‌ظاهر مشترک در انقلاب‌ها است. در این مجال به بررسی و تحلیل «مراحل شکل‌گیری»، «اقدامات» و «سرنوشت دولت‌های موقت» در انقلاب‌های بزرگ پرداخته می‌شود.

موضوع مطالعات انقلاب کماکان از موضوعات پر بحث حوزه‌های مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی است. از آنجایی که یکی از عناوین مشترک انقلاب‌ها «دولت موقت» است و انقلاب اسلامی ایران نیز چنین تجربه‌ای را طی کرده است، بررسی دولت‌های موقت در قالب مطالعات تطبیقی انقلاب می‌تواند نتایج علمی قابل استفاده‌ای را فراهم آورد.

یکی از شبهه‌ها درخصوص انقلاب‌ها به‌ویژه انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ سوءاستفاده و حذف نیروهای سیاسی درگیر در انقلاب از جمله میانه‌روها است. برای نمونه در کتاب *زندگی‌نامه سیاسی مهندس بازرگان* به قلم سعید برزین، نویسنده مدعی است:

از بازرگان برای یک دوره انتقالی استفاده شد و به انقلابیون اسلامی فرصت داده شد صفوف خود را منظم کنند. آنگاه انقلابیون اسلامی نیرومندان علیه جناح‌های دیگر وارد صحنه شدند و با دامن زدن به گرایش تندروی مردم هم در سیاست خارجی و هم در سیاست داخلی، جناح‌های دیگر مسلمان را درهم شکستند. (برزین، ۱۳۷۸: ۲۶۴)

در این پژوهش تلاش می‌شود که با استمداد از روش مطالعه تطبیقی به مقایسه دولت‌های موقت در چهار انقلاب مذکور پرداخته شود. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که «در مقایسه تطبیقی دولت‌های موقت در انقلاب‌های بزرگ، چه شباهت‌ها و چه افتراقاتی به‌دست می‌آید؟» سؤالات فرعی طراحی شده عبارتند از: «دولت موقت در انقلاب‌های فرانسه، روسیه، الجزایر و انقلاب اسلامی چگونه به قدرت رسیده‌اند؟ دولت‌های موقت در انقلاب‌های بزرگ چه اقدامات مشترکی داشته‌اند؟».

این پژوهش به صورت اکتشافی است. لکن برخی ادله احتمالی به قدرت رسیدن دولت‌های موقت عبارتند از: بی‌تجربگی انقلابیون، ترس از ساختار قدرت، جلوگیری از خشونت و عدم فرصت در فرآیند تثبیت انقلاب.

پژوهش از روش تحلیل تطبیقی تاریخی بهره می‌برد. این روش نمونه‌ای از تحلیل تطبیقی کیفی

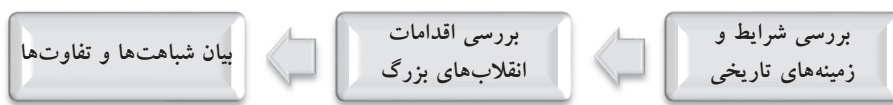
است. از ویژگی‌های پژوهش تطبیقی تاریخی مقایسه زمینه‌مند تمایزات و تشابهات موردها با یکدیگر به‌مثابه یک کل ترکیب‌بندی شده است که این کل‌نگری نقطه مقابل پژوهش تطبیقی کمی است. (ragin, 1987: 30)

در یک مطالعه تطبیقی مطلوب است که چند واحد اجتماعی مانند جنبش‌های اجتماعی، رژیم‌های دموکراتیک و اقتدارگرا و انقلابات اجتماعی را در عرض همدیگر، در خلال یک زمان مشخص و در چند مقطع زمانی مورد بررسی و مقایسه قرار داد. (Mahoney, 2003: 14) همچنین نوع واحدهای تحلیل تابعی از نوع مسئله و موضوع پژوهش است. از حیث نوع داده، داده‌های مورد تحلیل در روش تاریخی تطبیقی، داده‌هایی بین‌دوره‌ای یا بین جامعه‌ای هستند. پژوهش حاضر براساس گام‌های یک مطالعه تطبیقی - تاریخی در سه گام به انجام رسیده است:

گام اول. بررسی شرایط و زمینه‌های تاریخی (مراحل شکل‌گیری): در این گام تلاش شده است با توجه به شرایط و مکان‌مندی انقلاب‌ها، روایتی مختصر از استقرار دولت‌های موقت در انقلاب‌های فرانسه، روسیه، الجزایر و انقلاب اسلامی پرداخته شود. در این بخش ضمن گردآوری داده‌ها، داده‌های جمع‌آوری شده دسته‌بندی و صورتی شفاف از شرایط زمانی ترسیم می‌کند.

گام دوم. بررسی اقدامات انقلاب‌های بزرگ: در این گام، پژوهشگران با جستجو در منابع تاریخی سعی می‌کنند، اقدامات و تعاملات انقلاب‌های بزرگ در قبال دولت‌های موقت را احصاء و بررسی نمایند. تعامل انقلاب و بهره‌ای که از دولت موقت برده است، موضوعی است که در این بخش بدان پرداخته می‌شود.

گام سوم. بیان شباهت‌ها و تفاوت‌ها: در این گام برای فهم دقیق و روشن عملکرد دولت‌های موقت در انقلاب‌های بزرگ به بیان نقاط اشتراک و افتراق انقلاب‌های فرانسه، روسیه، الجزایر و انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود و سرنوشت نهایی این دولت‌های موقت با هم مقایسه می‌گردد.



نمودار شماره ۱

پیشینه پژوهش

آثار متعددی در ارتباط با موضوع پژوهش منتشر شده است که می‌توان این آثار را با توجه به رویکرد تحلیلی مؤلفان در سه دسته کلی جای داد:

۱. متونی که فقط از منظر تاریخی - روایی به انقلاب‌های بزرگ پرداخته‌اند. از جمله این پژوهش‌ها

می‌توان موارد ذیل را بیان داشت:

- کتاب *انقلاب روسیه (۱۳۰۴)*، اثر مارک فرّو، ترجمه دکتر جمشید نبوی. این اثر به روایت تاریخی از انقلاب روسیه است که اتفاقات بزرگ و نیز شخصیت‌هایی را که در رخداد انقلاب روسیه نقش داشته‌اند، معرفی می‌کند.

- کتاب *انقلاب الجزایر (۱۳۶۵)*، اثر دکتر علیرضا ازغندی. این اثر به بررسی انقلاب الجزایر (در نوامبر ۱۹۵۴) پرداخته و سعی کرده مباحث انقلاب الجزایر را بیان کند.

- مقاله «مناسبات دولت موقت با نهادها و نیروهای سیاسی اجتماعی» (۱۳۹۲)، اثر حسن مجیدی و امید شفیعی. این مقاله با رویکرد تاریخی و روش اسنادی در پی آن است که مناسبات دولت بازرگان با نیروهای سیاسی در عرصه‌های انتخاب اعضای کابینه، عملکرد و رویکرد دولت نسبت به دیگر نیروهای سیاسی اجتماعی مورد بررسی قرار دهد.

- کتاب *دولت موقت (۱۳۸۰)*، اثر خیرالله اسماعیلی. در این کتاب سعی شده است تا علل روی کار آمدن دولت موقت در بحبوحه انقلاب و نیز دلایل سقوط آن بررسی شود. همچنین روی کار آمدن دولت موقت با نظریه صعود میانه‌روها به قله قدرت در ابتدای پیروزی انقلاب، بررسی و مقایسه گردیده است.

- کتاب *تاریخ قرن هجدهم انقلاب کبیر فرانسه و امپراطوری ناپلئون (۱۳۸۸)*، اثر آلبر ماله و ژول ایزاک، ترجمه رشید یاسمی. این کتاب به اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی، اقتصادی ابرقدرت‌های بزرگ اروپا در قرن هجدهم یعنی روسیه، انگلیس، پروس و اتریش را مورد بررسی قرار داده و زمانی که به فرانسه می‌رسد چگونگی به‌وقوع پیوستن انقلاب کبیر فرانسه از ابتدا تا انتها را بیان می‌نماید.

۲. منابعی که در آن از منظر نظریه‌های انقلاب به بررسی انقلاب‌های بزرگ پرداخته‌اند. برخی از این منابع عبارتند از:

- کتاب *نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها (۱۳۹۷)*، اثر دکتر محمدحسین پناهی. این کتاب دربردارنده هفت بخش است که به مباحث توصیفی انقلاب و تشریح نظریه‌های وقوع انقلاب، وقوع، فرایند و پیامدها پرداخته است.

- *سیری در نظریه‌های انقلاب (۱۳۹۵)*، اثر دکتر مصطفی ملکوتیان. این کتاب شامل هفت بخش است که به مباحث توصیفی انقلاب و تشریح نظریه‌های وقوع انقلاب، وقوع، فرایند و پیامدها پرداخته است.

- مقاله *ارزیابی نظریه چرخش انقلاب‌ها و تطبیق آن بر انقلاب اسلامی ایران (۱۳۹۱)*، نوشته قاسم شبان‌نیا. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی علاوه بر تحلیل و تبیین نظریه کرین بریتون به مقایسه این نظریه در تحلیل وقایع انقلاب اسلامی ایران پرداخته شده است.

مقایسه تطبیقی دولت‌های موقت در انقلاب‌های بزرگ مورد مطالعه انقلاب فرانسه، روسیه، ... □ ۱۶۳

- کتاب *نظریه پردازی انقلاب‌ها* (۱۳۹۵)، اثر جان فورن. نویسنده سعی کرده است با توجهی دقیق‌تر و نوآوری‌های نظری، مباحث علمی را درباره انقلاب‌ها بررسی کند و برداشت‌ها و رویکردهای جدید و نوظهور را اشاره نموده و آنها را به صورت نظری و تجربی بیان کند.

۳. متونی که انقلاب‌های بزرگ را در موضوعات دیگر با روش مقایسه‌ای و تطبیقی مطالعه کرده‌اند. از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- دکتر منوچهر محمدی در کتاب *انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه* (۱۳۹۷)، به مقایسه انقلاب اسلامی با انقلاب فرانسه و روسیه پرداخته و با روش مقایسه‌ای به نقاط اشتراک و افتراق انقلاب‌ها مبادرت نموده است.

- کتاب *در میدان انقلاب روایتی مختصر از سه انقلاب بزرگ تاریخ (فرانسه، روسیه، ایران)*، نوشته سعید زاهدی و سعید فاطمی. مهدی فاطمی تاریخ سه انقلاب بررسی شده و بعد موارد اختلاف انقلاب‌ها را مشخص می‌کند. در فصل نخست کتاب روایتی مختصر از این سه انقلاب ارائه شده است و در فصل آخر درباره شباهت‌ها و تفاوت‌های این سه انقلاب سخن گفته شده است.

- مقاله «بررسی تطبیقی انقلاب اسلامی با انقلاب‌های بزرگ دنیا»، (۱۳۸۸)، تألیف علی کاظمی. در این مقاله مقایسه شرایط اقتصادی، نظامی، و سیاسی انقلاب‌های، فرانسه، روسیه، چین، الجزایر و ایران قبل از به‌وقوع پیوستن انقلاب‌ها پرداخته شده است.

- کتاب *دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی* (۱۳۹۹)، اثر تدا اسکاچپل، ترجمه مجید روئین‌تن. نویسنده سعی کرده است براساس روش استدلالی به علل پیدایش انقلاب‌ها و نتایج آنها در انقلاب‌های فرانسه، روسیه و چین در هفت فصل بپردازد.

- کتاب *کالبدشکافی چهار انقلاب* (۱۳۷۰)، اثر کرین بریتون، ترجمه محسن ثلاثی. نویسنده عناصر تشکیل‌دهنده، علل، زمینه‌های اجتماعی، زمینه‌های تاریخی و سایر دلایل علمی وقوع انقلاب‌های اجتماعی فرانسه، آمریکا، انگلیس و روسیه را بررسی کرده است.

بررسی دسته اول آثار نشان از این دارد که نویسندگان مشخصاً بر روی یک انقلاب متمرکز شده‌اند. این آثار رویکرد تطبیقی نداشته و صرفاً یک روایت تاریخی و در مواردی تحلیلی از انقلاب‌ها ارائه کرده‌اند. دسته دوم آثار نیز رویکرد نظری دارند و منظری روایی - تاریخی به موضوع مورد پژوهش ندارند. در موارد بسیاری نیز تطبیقی نبوده و یا به دولت‌های موقت نپرداخته‌اند. در دسته سوم نیز روایت تطبیقی از اصل وقوع و فرآیند انقلاب دیده می‌شود ولی به تطبیق خاص دولت‌های موقت نپرداخته‌اند. بنابراین تفاوت پژوهش‌های حاضر بدین‌صورت است که از حیث موضوعی، از سایر منابع موجود متمایز

بوده و به‌طور مشخص به موضوع دولت‌های موقت در انقلاب‌های بزرگ؛ پیدایی و سرنوشت آنها پرداخته است و همچنین از حیث روشی به صورت مقایسه تطبیقی - تاریخی انجام گرفته که چنین رویکردی در بررسی دولت‌های موقت در انقلاب‌های بزرگ فرانسه، روسیه، الجزایر و ایران مطرح نشده است.

مفهوم‌شناسی

با توجه به اینکه مفاهیم از اهمیت بالایی در پژوهش‌ها برخوردار است، در این بخش به توصیف و توضیح مفاهیم اصلی می‌پردازیم:

۱. انقلاب

شهید مطهری انقلاب را این‌چنین تعریف می‌کند:

انقلاب عبارت است از:

طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یک سرزمین علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد
نظمی مطلوب. (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۹)

انقلاب عبارت است از:

دگرگونی اساسی و سریع خاستگاه اجتماعی (طبقاتی) نخبگان سیاسی حاکم که پس از
سرنوشتی رژیم به‌وسیله یک حرکت جمعی توده‌ای فراقانونی به قدرت می‌رسند.

یا به عبارت دیگر:

انقلاب یک حرکت جمعی توده‌ای فراقانونی است که به سرنوشتی رژیم و دگرگونی اساسی
و سریع خاستگاه اجتماعی نخبگان سیاسی حاکم منجر می‌شود. (پناهی، ۱۳۹۷: ۳۷)

۲. دولت موقت (interim government)

دولت موقت به سیستمی گفته می‌شود که در شرایط اضطراری، پس از فروپاشی حکومت و ایجاد خلأ
سیاسی به‌طور موقت ایجاد می‌شود. در نتیجه یک دولت موقت قبل از شکل‌گیری انتخابات آزاد یک
کشور شکل می‌گیرد. استفاده از دولت موقت به‌عنوان بخشی از نام رسمی را می‌توان در دولت شارل
تالیران در فرانسه در سال ۱۸۱۴ م دنبال کرد. (Cambridge Dictionary, 2001)

۳. میانه‌روها

میانه‌روها خواهان تغییرات سیاسی، سطحی، آهسته و اندک هستند. این افراد بیشتر اوقات هواخواه
اصلاحات هستند و به‌رغم بی‌میلی، تنها انقلاب را تا زمانی دنبال می‌کنند که رژیم پیشین در مواجهه با

مقایسه تطبیقی دولت‌های موقت در انقلاب‌های بزرگ مورد مطالعه انقلاب فرانسه، روسیه، ... □ ۱۶۵

چالش‌های ملی، سازش‌ناپذیر، مستبد و بی‌کفایت به‌نظر می‌رسد. میانه‌روها عموماً در بین نخبگان موجود و اغلب حتی در رژیم مستقر مشاهده می‌شوند. (برینتون، ۱۳۶۲: ۱۶۲) آنها نه وابستگی نزدیک به سیستم سیاسی پیشین دارند و نه با سیاست‌های تحول‌آفرین انقلابیون موافق هستند و در بسیاری از موارد به‌دنبال اصلاح قانونی رژیم مستمر هستند.

۴. انقلاب‌های بزرگ

انقلاب‌هایی که علاوه بر بروز تغییر و تحولاتی در اوضاع داخلی یک جامعه، رسالت‌هایی جهانی نیز برای نشر ارزش‌ها و ایدئولوژی خاصی در مقیاس بین‌المللی برای خود قائلند و به‌ویژه حامل ایده‌های نجات‌بخش برای کل بشریت می‌باشند. دامنه تأثیرات و پیامدهای این انقلاب‌ها از مرزهای ملی فراتر رفته و با نگرشی جهانی تلاش می‌کنند تا به اهداف فرامرزی خود در فراتر از مرزهای ملی خویش جامه عمل ببوشانند. (نش و اسکات، ۱۳۸۸: ۳۰۰)

بدیهی است که رفتارها و کنش‌های ضد سیستمی انقلاب‌های بزرگ، از سوی نظام بین‌الملل و قدرت‌های جهانی حافظ وضع موجود بی‌پاسخ گذاشته نخواهند شد و لذا در مقابل امواجی از انقلابی‌گری و تجدیدنظرطلبی نسبت به سیستم بین‌المللی که انقلاب‌های بزرگ به راه می‌اندازند، عکس‌العمل نشان می‌دهند. (اخوان کاظمی، تارا و رستمی، ۱۳۹۷: ۷) بنابراین، بزرگ بودن یک انقلاب صرفاً به‌دلیل چگونگی و یا حوزه جغرافیایی آن نیست؛ بلکه به‌دلیل ارزش‌ها و ایده‌های جهانی و فرامرزی آن است که آن را از انقلاب‌های داخلی یا ملی متمایز می‌سازد.

چارچوب نظری

براساس تحلیل برینتون در کتاب *کالبد شکافی چهار انقلاب*، انقلاب دارای دو مرحله فرعی پیش انقلابی یعنی آشکارشدن ناکارآمدی‌های رژیم پیشین و خودانگیختگی یا برنامه‌ریزی و سه مرحله اصلی دارد که شامل مرحله حاکمیت میانه‌روها، حاکمیت تندروها، و مرحله ترمیدور می‌شود. به نظر وی قدرت همواره از دست محافظه‌کاران (نظام سیاسی قبل از سرنگونی) به میانه‌روها و سپس به رادیکال‌ها یا تندروها می‌رسد و سرانجام در دست عمل‌گرایان تحکیم می‌گردد.

برینتون مدعی است رهبران انقلابی را می‌توان به دو گروه رهبران میانه‌رو و تندرو تقسیم کرد. از لحاظ خاستگاه طبقاتی، رهبران میانه‌رو از طبقات بالاتری هستند و از تندروها با تجربه‌تر، بلندپایه‌تر و شناخته‌شده‌ترند به‌گونه‌ای که انتظار همگان این است که آنها قدرت را در دست بگیرند. (برینتون، ۱۳۷۰: ۱۴۵) در هر چهار انقلاب مورد نظر اولین گروهی که پس از سرنگون شدن نظام سیاسی پیشین به قدرت

رسید میانه‌روها بودند که تحت عنوان دولت موقت حکومت را به دست گرفتند. او دوره حاکمیت تندروها را مرحله بحرانی انقلاب می‌نامد که با کودتا علیه میانه‌روها آغاز می‌شود. تندروها این کار را از طریق نهادها و سازمان‌های انقلابی که در اختیار انحصاری خود دارند انجام می‌دهند. (همان: ۱۹۰) به تصور بریتون، انقلابیون تندرو در کوتاه‌مدت می‌توانند چهره‌ای کارآمد و متناسب‌تر با اهداف انقلاب در مقایسه با میانه‌روها و دولت موقتشان ارائه دهند. در نهایت بریتون مرحله ترمیدور را دوره نقاهت پس از فرو نشستن تب انقلاب یا دوره بازگشت انقلاب تعریف می‌کند که نمی‌توان زمان دقیقی برای آن مشخص کرد. از نظر بریتون نقطه مشترک این دوره استقرار نهایی یک فرد خودکامه است و پس از به قدرت رسیدن فرد خودکامه، «وحشت سفید» واقع می‌شود که در آن تندروهای افراطی که حاضر نیستند تن به عمل‌گرایی بدهند به‌عنوان جنایت‌کاران و خیانت‌کاران سرکوب می‌شوند، تا شرایط برای عادی‌سازی جامعه هموار شود. (پناهی، ۱۳۹۷: ۴۴۳)

بدیهی است که چارچوب نظری پیش‌گفته به هر دلیلی دارای شهرت و تواتر بیانی است و به نظر نویسندگان می‌تواند مورد نقد قرار گیرد که البته خود بریتون هم تطبیق کامل نظریه خویش بر تمامی انقلاب‌ها را مدعی نیست. در پژوهش حاضر مرحله میانی نظری وی مورد اشاره و تمرکز اصلی است.



نمودار شماره ۲

گام اول دولت‌های موقت: روایت تاریخی

با توجه به روش انتخابی پژوهش، گام نخست روایت تاریخی دولت‌های موقت در انقلاب‌های یادشده است.

۱. دولت موقت منشویک‌ها

انقلاب روسیه در فوریه سال ۱۹۱۷ هنگامی رخ داد زمانی که اعتصابات و شورش‌های کارگران سبب شد سربازان به آنها بپیوندند. هیچ‌کس گمان نمی‌کرد این حرکت خودجوش، بدون مقدمه و بدون رهبری و هدایت لازم منجر به سقوط حکومت ۳۰۰ ساله رومانوف‌ها گردد و کشور روسیه را در آستانه بحرانی بزرگ قرار دهد. (محمدی، ۱۳۹۷: ۲۲۵) اعتصابات و تظاهرات کارگران در پایتخت از ۲۳ فوریه شروع شد و در نهایت بعد از چهار روز به پیروزی رسید. بدین ترتیب حکومت تزاری با حرکت خودجوش مردم محروم به‌ویژه کارگران و دهقانان سرنگون شد، ولی تنها یک نهاد سیاسی یعنی مجلس دوما همچنان پابرجا بود و حتی کسی در اندیشه معارضه با آن نیفتاد. توده‌های مردم نظر مشخصی نسبت به نظام آینده

نداشتند و در حقیقت خود را در مقابل عمل انجام شده‌ای می‌دیدند که پیش‌تر خود را برای آن آماده نکرده بودند. (همان: ۲۲۶)

تزار در تاریخ ۲۷ فوریه دوما را منحل کرد. اعضای دوما همان شب در کاخ تائورید دو سازمان تأسیس کردند تا امور کشور را در اختیار بگیرند. اولی نمایندگان سابق دوما بودند و نماینده منافع طبقه متوسط، دومی کمیته اجرایی که نماینده منافع سربازان، کارگران و انقلابیون سوسیالیست بودند. کمیته اجرایی معتقد بود که تأسیس یک دولت موقت تحت نفوذ دوما می‌تواند بهترین گزینه باشد. (دان، ۱۳۸۳: ۷۶)

با توافق سویت (کمیته اجرایی) پتروگراد و کمیته موقت دوما ۱۵ مارس ۱۹۱۷، تزار استعفانامه‌اش را امضا کرد و پرنس لووف مأمور تشکیل دولت موقت شد. (پزشک‌زاد، ۱۳۸۳: ۹۳)

دولت موقت روسیه به صورت بین‌المللی در ماه مارس تا نوامبر ۱۹۱۷ به رسمیت شناخته شد. دولت موقت روسیه در ابتدا بیشتر از وزرای لیبرال تشکیل شده بود. فقط الکساندر کرنسکی از حزب سوسیالیست‌های انقلاب بود. این دولت و در طول حیات هشت ماهه خود دو بار سازمان‌دهی شد و هر بار ائتلافی از نیروهای سیاسی چندحزبی شکل می‌گرفت. با این حال در هیچ مرحله‌ای نتوانست مشکلات عمده کشور را - که تهدید می‌کرد - به‌طور مناسب حل کند و در نهایت با کودتای آرام بلشویک‌ها به رهبری لنین در مرحله دوم انقلاب روسیه از قدرت کنار رفت. (Britannica, 2019)

۲. دولت موقت ژیروندن‌ها و ژاکوبن‌ها

موافقت و تسلیم شاه در قبال انعقاد دوره عمومی مجلس مبعوثان در ورسای (پنجم می ۱۷۸۹) نخستین گام به‌سوی حرکتی بود که سه سال بعد به سقوط نظام سلطنتی انجامید. تا این زمان تنها قدرت سیاسی حاکم - که منشأ آن دربار و پادشاه بود - نیروی مخالف ملت و همه طبقات به‌شمار می‌آمد. پیروزی طبقه سوم در مجلس ملی باعث شد تعداد زیادی از نجبا و روحانیون طراز اول به دربار بپیوندند؛ چراکه مجلس به سرعت امتیاز طبقاتی را لغو می‌کرد. در صبح روز ۱۴ ژوئیه ۱۷۸۹ جمعی از شورشیان به هتل انوالید و جمعی دیگر به‌سوی قلعه نظامی باستیل رفتند. با شلیک از طرف قلعه به شورشیان جنگ آغاز شد و بعد از ۴ ساعت نبرد، قلعه توسط شورشیان فتح شد. بدین ترتیب شاه تسلیم شد و نکر به وزارت رسید و ژنرال لافایت فرمانده گارد ملی خوانده شد و دست لویی را در به‌کارگیری نیروهای مسلح بست. (ملکوتیان، ۱۳۸۱: ۵۷) تصرف باستیل در فرانسه شکست محافظه‌کارترین گروه؛ یعنی سلطنت‌طلبان سنتی - که از نجبا و روحانیون بودند - را قطعی ساخت. انقلابیون پیروز مدت چندانی با هم هماهنگ نبودند و روند انتقال قدرت به جناح چپ نیز پس چند ماه آغاز شد.

در اوایل ماه سپتامبر سال ۱۷۹۱ مجلس ملی یا مؤسسان، قانونی را که برای کشور تدوین می‌کرد به پایان رساند. لویی شانزدهم نیز آن را پذیرفت، هر چند محافل ملی از این وضع به شدت انتقاد کردند اما با توجه به طرفداری اکثریت اعضای مجلس تأثیری نداشت و سرانجام این قانون به تصویب رسید. در انتخابات اولین دوره مجلس، ژیروندن‌ها توانستند مجلس را تماماً اشغال کنند. آنها تلاش کردند که نفوذ بورژوازی در میان مردم را گسترش دهند و بهترین راه رسیدن به مقصد را در این می‌دانستند که فرانسه در جنگی خارجی علیه کشورهای حامی لویی شانزدهم درگیر کنند. روبسپیر که به ریاست باشگاه ژاکوبن‌ها منصوب شده بود، با آغاز چنین جنگی مخالفت کرد. با این همه مجلس بدون توجه به استدلال‌های او با تکیه بر احساسات مردم با اعلان جنگ موافقت کرد و لویی نیز بی‌درنگ با آن موافقت نمود. رهبرانی نظیر مارا و روبسپیر با هوشیاری و جرأت تمام خیانت‌های لویی و درباریان را برملا ساختند و از این سو، فرماندهان عالی قشون فرانسه نیز پیوسته در مقابل ارتش‌های متخاصم عقب‌نشینی می‌کردند؛ تا جایی که در ژوئن سال ۱۷۹۲ پاریس تهدید به سقوط شد. در این هنگام مردم تحت رهبری «ژاکوبن‌ها و روبسپیر» که به‌نوعی دولت موقت انقلاب فرانسه را برای مقابله با خطرهای داخلی و خارجی منظم‌تر کردند و ندای نجات وطن سر دادند؛ که با استقبال و پاسخ مثبت دیگران روبه‌رو شد. (محمدی، ۱۳۹۷: ۲۲۲ و ۲۲۳)

۳. ناسیونالیست‌های میانه‌رو در الجزایر

فرانسه در سال ۱۸۳۶ م همه خاک الجزایر و شمال غربی آفریقا را ضمن سرکوب جنبش مقاومت الجزایر تصرف کرد. فرانسوی‌ها در تسخیر مناطق جنوبی با مقاومت ۱۴ ساله «امیر عبدالقادر» روبه‌رو شد. که مردم الجزایر «اسلام جهادی» را از خلال این جنبش شناختند. (برومند اعلم، ۱۳۹۱: ۳۵)

در سال ۱۹۵۰ عده‌ای از جوانان الجزایری تحصیل‌کرده فرانسه از جمله احمد بن‌بلا، هواری بومدین، شاذلی بن جدید و عده‌ای دیگر به توصیه فرحت عباس به عضویت سازمانی سری (مخفی) درآمدند که برای آزادی الجزایر فعالیت می‌کردند. این سازمان فعالیت نظامی و سیاسی را در برنامه خود گنجانده بود. (بصیرت‌منش و خانی، ۱۳۹۶: ۶۲)

در بیستم اوت ۱۹۵۶، رهبران انقلاب الجزایر گرد هم جمع شده و برای تهیه یک برنامه جدید سیاسی به بحث و گفتگو پرداختند؛ برنامه‌ای که بعد از چند روز مباحثه و گفتگو تهیه و به تصویب اعضای شرکت‌کننده در کنگره سوم رسید که شامل تحلیل سیاسی مشخصی از مبارزات سال‌های اول انقلاب و نیز دربرگیرنده نظرات مختلف و متضاد گروه‌ها و اعضای شرکت‌کننده در کنگره بود. در عین حال برنامه سیاسی سوم هیچ طرح و برنامه مشخصی برای تداوم انقلاب پیشنهاد نداد و فاقد یک

برنامه روشن برای ساخت اقتصادی - اجتماعی الجزایر بعد از استقلال بود. (ازغندی، ۱۳۶۵: ۷۵)

تصمیمات کنگره قدرت سیاسی گروه بن‌بلا را به‌طور محسوسی تقلیل داد و رهبری جنبش را به عهده ناسیونالیست‌های میانه‌رو چون فرحت عباس محول کرد که بیشتر بر مبارزه سیاسی تأکید می‌کرد تا مبارزه نظامی. (Chaliand, 1972: 113)

کنگره تصمیم گرفت «شورای ملی انقلاب الجزایر» را به‌عنوان عالی‌ترین مرجع اجرایی که از نمایندگان سراسر الجزایر تشکیل می‌شد، به وجود آورد. در این شورا نماینده تمامی احزاب و گروه‌های سیاسی انقلابی شرکت داشتند. اعضای اصلی این شورا عبارت بودند از: آیت احمد حسین، فرحت عباس، رمضان عبانه، احمد بن‌بلا، مصطفی بن بولاید و برخی دیگر. (جلیسبی، ۱۹۶۶: ۱۲۰)

در ماه‌های منتهی به انقلاب و در غیاب بن‌بلا نیروهای هوادار فرحت عباس عملاً توانستند بدون مقاومت سایر گروه‌ها، رهبری بخش خارج از کشور جبهه آزادی‌بخش را به‌دست گیرند. نتیجه چنین فرایندی گسترده‌تر شدن فزاینده اختلافات بین حامین انقلاب در داخل کشور و حامین سیاسی انقلاب در خارج از کشور بود. رهبری جدید جبهه آزادی‌بخش ملی الجزایر در ۱۹ سپتامبر ۱۹۵۸ تصمیم گرفت یک دولت موقت در قاهره تشکیل دهد. اعضای حکومت موقت جمهوری الجزایر توسط «شورای ملی انقلاب» انتخاب و نخست‌وزیر دولت موقت فرحت عباس و معاون اول نخست‌وزیر احمد بن‌بلا انتخاب شدند. (ازغندی، ۱۳۶۵: ۷۷)

۴. ملی - مذهبی‌ها دولت‌مردان اولیه انقلاب اسلامی

در دوره گذار انقلاب اسلامی، تثبیت نظام جدید، بر دوش دولت موقت گذاشته شد. با آشفته شدن حکومت پهلوی در سال ۵۷، وقت آن رسیده بود که سازوکاری برای تغییر رسمی حکومت و تثبیت حکومت بعدی اندیشیده شود و فرد یا گروهی مسئول انجام آن بشود. بدین‌منظور ابتدا شورای انقلاب در ۲۳ دی ۱۳۵۷ اعلام موجودیت کرد. (فوزی، ۱۳۸۴: ۱۵۷) این شورا در واقع به‌منزله مرجع قانون‌گذاری بود و می‌بایست دولتی نیز به صورت موقت برای تنظیم و اجرای امور، تدارک دیده می‌شد. یکی از افرادی که در این زمینه با امام همکاری داشت و در ۱۳۵۷/۷/۲۹ برای دیدار با امام به پاریس رفته بود مهندس مهدی بازرگان، دبیر نهضت آزادی بود. (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۲۶ - ۲۵) وی در ۱۳۵۷/۱۱/۱۵ طی حکمی از امام علیه السلام، مأمور تشکیل دولت موقت شد. پس از شکل‌گیری دولت موقت، وضعیت کشور به شکلی بود که می‌بایست هرچه زودتر، نظام جدید برپا و تثبیت گردد. (مجیدی و شفیعی، ۱۳۹۲: ۱۵۰)

بدین‌منظور، امام خمینی علیه السلام اساس کار را در تعامل مثبت با دولت موقت و حمایت و تقویت آن قرار داده بودند و تضعیف دولت را تضعیف اسلام خواندند. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۷۵)

اگرچه در به ثمر رساندن انقلاب و رهبری آن، انقلابیون مذهبی نقش اساسی داشتند، پس از انقلاب بیشتر به کنترل اوضاع و جلوگیری از انحراف مدیران و دولت‌مردان پرداختند. رهبری انقلاب همچنان در مقام راهنما و ارشادکننده، رابطه مستمر خود را با توده‌های مردم و مسئولان دولتی و انقلابی حفظ نموده، قدرت را در اختیار داشت. شورای انقلاب و دولت موقت نیز منتخب امام بودند و بدون تأیید ایشان نه تنها مشروعیت لازم را نداشتند، بلکه از حمایت مردم نیز برخوردار نبودند. (محمدی، ۱۳۹۷: ۲۴۲) به‌هرحال، به دولت موقت دو مأموریت اصلی محول شد: تدوین و فراندوم قانون اساسی جدید. حضرت امام علیه السلام به پیشنهاد شورای انقلاب به‌ویژه شهید مطهری این مسئولیت را به جریان میانه‌رو ملی - مذهبی سپرد و تأکید شد از گرایش‌های حزبی و سیاسی پرهیز شود. دلایلی چون عدم اراده روحانیت در ورود به مناسبات اجرایی و تجربه حداقلی و آمادگی نسبی جریان ملی - مذهبی برای مناسبات اجرایی بر این انتخاب مؤثر بود.

گام دوم: اقدامات و عملکرد دولت‌های موقت

در این مرحله بررسی دولت‌های موقت در چارچوب روش تطبیقی - تاریخی، اهم اقدامات و عملکردهای این دولت‌ها به اختصار بیان می‌شود تا مقدمات گام سوم - که مقایسه است - فراهم آید.

۱. اقدامات دولت موقت پرنس لووف در روسیه

بعد از استعفای تزار و به قدرت رسیدن پرنس لووف، انقلاب فوریه پیروز و حکومت روسیه، جمهوری اعلام شد. دولت موقت روسیه مجموعه‌ای منظم و منسجم نبود و برنامه‌ای از پیش تعیین شده نداشت. از این رو نمی‌توانست به سرعت کنترل اوضاع هرجومرج و نابسامان کشور را به‌دست بگیرد. دولت موقت براساس توافق با شوراهای تنها یک‌سری اقدامات نسبتاً سطحی انجام داد؛ اعدام، تبعید به سیبری و شکنجه را ممنوع کرد؛ عفو کلیه مجرمان سیاسی و مذهبی، آزادی گفتار، مطبوعات و اجتماعات، شناسایی حق اعتصاب و عضویت در «سندیکا»ها و نیز لغو همه محدودیت‌های قانونی که برای اقلیت‌های مذهبی اعمال می‌شد و پلیس را که منفور مردم بود منحل و جای آن سپاهی به نام «میلیشیا» تأسیس کرد. (زاهدی و فاطمی، ۱۳۹۳: ۱۱۷)

با این همه، دولت موقت از انجام هر کار بنیادین در زمینه تعدیل ثروت، اصلاحات ارضی، حل مسئله جنگ، حل بحران غذا و ساعت‌کاری کارگران نتوانست موفق شود و آنها همه خواسته‌ها را به مجلس مؤسسان وعده می‌دادند (گوبر، ۱۳۶۰: ۱۲) مجلسی که قرار بود بر مبنای رأی مستقیم، برابر و مخفی مردم ایجاد شود و شکل نهایی حکومت را تعیین و قانون اساسی را تدوین کند. یکی از مشکلات مهم

دولت موقت تحت فشار قرار گرفتن میان دو گروه افراطی راست و چپ بود که نه می‌توانست خواسته‌های گروه‌های اجتماعی را تأمین کند و نه از حرکت‌ها و شورش‌های کنترل‌نشده در نقاط مختلف کشور جلوگیری نماید. (محمدی، ۱۳۹۷: ۲۲۹ و ۲۳۴)

| ردیف | اقدامات دولت موقت روسیه |
|------|---|
| ۱ | ممنوعیت اعدام، تبعید به سیبری و شکنجه |
| ۲ | عفو کلیه مجرمان سیاسی و مذهبی |
| ۳ | آزادی گفتار، مطبوعات و اجتماعات |
| ۴ | شناسایی حق اعتصاب و عضویت در سندیکاها |
| ۵ | لغو همه محدودیت‌های قانونی برای اقلیت‌های مذهبی |
| ۶ | منحل کردن پلیس و تأسیس میلشیا |

جدول شماره ۱

۲. اقدامات دولت موقت ماکسیمیلیان روبسپیر در فرانسه

بعد از درگیری‌ها در فرانسه، انتخابات کنوانسیون ملی برگزار شد و در آن لویی شانزدهم هم حق یک رأی داشت. در این انتخابات فقط ۱۰ درصد مردم شرکت کردند و این گروه هم به تندروهای جمهوری خواه رأی دادند که رهبرشان روبسپیر بود. (پزشک‌زاد، ۱۳۸۳: ۹۴) ژیروندن‌ها ۱۶۰ نماینده و ژاکوبین‌های پیرو دانتون و روبسپیر ۲۰۰ نماینده داشتند. سرانجام تلاش انقلابی‌ها به نتیجه رسید و کنوانسیون ملی سلطنت را لغو کرد و رژیم جمهوری را مستقر کرد. کنوانسیون بر آزادی و حق رأی و دخالت انسان در سرنوشت خویش تأکید داشت. (کاپلان، ۱۳۷۵: ۱۹۸)

در مجلس و بیرون آن ژاکوبین‌های رادیکال پیگیری می‌کردند که شاه را اعدام کنند، اما بورژواها، اشراف، ژیروندن‌ها با اعدام شاه مخالف بودند. اواخر سال ۱۷۹۲ قفسه آهنی در کاخ سابق شاه پیدا شد که در آن مکاتبات شاه با شاه اتریش دیده می‌شد. با این مدارک شاه را به اتهام خیانت به دادگاه کشاندند و مجلس هم به اعدام شاه رأی مثبت داد. در نهایت روبسپیر در ۲۱ ژانویه ۱۷۹۳ شاه را با گیوتین گردن زد. (ماله و ایزاک، ۱۳۸۸: ۴۳۲) بعد از اعدام شاه قانون اساسی جدید به رأی گذاشته شد که در مسائل مهم مثل جنگ و مالیات باید همه‌پرسی انجام شود. با گردن زدن شاه فضای انقلاب خشن‌تر شد و روبسپیر خیلی به این موضوع دامن زد و در ۱۰ اکتبر کنوانسیون اعلام کرد که دولت تا برقراری صلح به روش انقلابی عمل خواهد کرد و بعد قانون مظلونین را تصویب کرد که مهم‌ترین هدف این قانون ملکه، ماری آنتوانت بود. وی فردی مغرور بود و نپذیرفت که از انقلاب حمایت کند و در اکتبر ۱۷۹۳ او را

محاكمه و به اعدام محكوم كردند. (حجتی كرماني، ۱۳۵۳: ۳۶ - ۳۵) روبسپير ارتش مردمي را هم به جنگ ارتش بریتانیا فرستاد كه این ارتش در راه خود اهالی واندۀ در غرب فرانسه را سرکوب كردند. در نتیجه ژاكوبین‌ها روزبه‌روز بر قدرتشان افزوده شد. در سه ماه آخر سال ۱۷۹۳ مجلس ۱۹۷ حكم اعدام صادر كرد؛ ۴۵۰۰ را نفر زندانی كرد و كاخ‌ها به زندان‌ها تبدیل شدند؛ تا ماه فوریه، ۱۶۶۷ نفر در لیون زیر گیوتین رفتند؛ حدود ۵۰۰ هزار زندانی و بین ۳۵ تا ۴۰ هزار نفر قتل عام شدند كه البته آمارهای بسیار بیشتر هم در دست هست. افرادی چون آندره ژید، شاعر و لاوازیه واضع علم شیمی هم میانشان بودند. (سیار، ۱۳۸۷: ۱۲۰)

با توجه به كشتارهای بی‌رحمانه روبسپير در ده ماه گذشته، سه تن از مأموران وی كه می‌ترسیدند كشته شوند، حكم دستگیری روبسپير را از كنوانسیون گرفتند و در روز ۲۷ ژوئیه ۱۷۹۴ با ۲۱ همراهش گردن زدند و به ده ماه ترور و وحشت پایان دادند. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۶)

| ردیف | اقدامات دولت موقت فرانسه |
|------|--|
| ۱ | اعدام شاه |
| ۲ | اعدام ملکه ماری آنتوانت |
| ۳ | اعزام ارتش مردمی به جنگ ارتش بریتانیا توسط روبسپير |
| ۴ | اعدام و زندانی كردن تعداد زیادی از مردم |

جدول شماره ۲

۳. اقدامات دولت موقت فرحت عباس در الجزایر

انقلاب الجزایر پس از رهایی از چنگ استعمار، تجربه تلخ كشمکش‌های درونی و تصفیه‌های سیاسی را از سر گذراند. از سال ۱۹۵۴ حكومت موقت الجزایر یا «جبهه آزادی‌بخش ملی» تا روز استقلال یعنی مدت هشت سال مبارزه مسلحانه خود را علیه اشغالگران فرانسوی به‌شدت ادامه داد. براساس گفته‌های آقای دوبره، نخست‌وزیر فرانسه، الجزایر می‌بایست یک سرزمین فرانسوی باقی می‌ماند، زیرا كه منافع اقتصادی و استراتژیک فرانسه و هم‌پیمانانش چنین اقتضا می‌كرد.

یکی از اقدامات دولت موقت پس از انقلاب الجزایر را می‌توان منع پیوستن الجزایر به ناتو در چهاردهم ژوئیه ۱۹۶۰ عنوان كرد و ضمن اولتیماتوم به اعضای پیمان اعلام داشت كه دخالت و شركت پیمان آتلانتیک شمالی از طرف شورای رهبری موقت الجزایر، دشمنی با مصالح ملی و دسیسه علیه خواسته‌ها و منافع مردم الجزایر قلمداد می‌شود. (شقییری، ۱۳۵۱: ۲۶ و ۲۷)

از دهم تا پانزدهم دسامبر ۱۹۶۰ تظاهرات گسترده و دامنه‌داری توسط میلیون‌ها عرب مسلمان به هواداری

مقایسه تطبیقی دولت‌های موقت در انقلاب‌های بزرگ مورد مطالعه انقلاب فرانسه، روسیه، ... □ ۱۷۳

از جبهه آزادی‌بخش ملی در پایتخت و شهرهای بزرگ الجزایر صورت گرفت. از آن زمان به بعد جمهوری پنجم فرانسه موجودیت جبهه آزادی‌بخش ملی و دولت موقت را انکار نکرد و تحت‌تأثیر و افکار داخلی و بین‌المللی به مسئله الجزایر اعتراف کرد. (ازغندی، ۱۳۶۵: ۸۱) فرحت عباس، نخست‌وزیر حکومت موقت جمهوری الجزایر موضع جدید دولت فرانسه را نسبت به مسئله الجزایر مثبت ارزیابی نمود و اظهار امیدواری کرد که اختلافات بین الجزایر و فرانسه از راه مسالمت‌آمیز حل گردد. او خطاب به مردم الجزایر گفت:

در اینجا آنچه تذکرش لازم است این است که اعلامیه شانزده سپتامبر ۱۹۵۹، می‌تواند اساس مذاکره برای راه‌حل مسالمت‌آمیز این جنگ شده و سال ۱۹۶۰ سال صلح اعلام شود. (شقیری، ۱۳۵۱: ۲۴۸)

در سال ۱۹۶۱ جمهوری پنجم فرانسه با حکومت موقت جمهوری الجزایر تماس‌های پنهانی برقرار کرد تا درباره تشکیل یک دولت مستقل ولی وابسته به فرانسه مذاکراتی صورت گیرد. سرانجام بیانیه‌ای در دهم ماه مه ۱۹۶۱ هم‌زمان در پاریس و تونس انتشار یافت و اعلام شد که نمایندگان دولت فرانسه و حکومت موقت الجزایر در بیستم ماه مه در شهر اویان مذاکرات خود را درباره استقلال الجزایر آغاز خواهند کرد. سرانجام در هجدهم مارس ۱۹۶۲ به امضای نمایندگان رسید.

قرارداد اویان از سه بخش تشکیل می‌شد. بخش اول شامل قرارداد آتش‌بس یا قطع خصومت بود و از نوزدهم مارس ۱۹۶۲ قابلیت اجرا داشت. بخش دوم دربرگیرنده تعهد و ضمانت‌نامه‌ای بود که الجزایر برای رعایت حقوق سیاسی و اقتصادی مهاجران اروپایی باید به دولت فرانسه می‌داد و بخش سوم شامل اعلامیه‌هایی می‌شد که در آنها دولت فرانسه موافقت می‌کرد که به الجزایر استقلال دهد. (ازغندی، ۱۳۶۵: ۸۶ - ۸۵) در نهایت در پانزدهم سپتامبر ۱۹۶۲ انتخابات مجلس ملی در سرتاسر الجزایر برگزار شد و بن‌بلا به سمت اولین رئیس‌جمهور کشور مستقل الجزایر و فرحت عباس به‌عنوان رئیس مجلس انتخاب شد.

| ردیف | اقدامات دولت موقت الجزایر |
|------|--|
| ۱ | منع پیوستن الجزایر به ناتو در چهاردهم ژوئیه ۱۹۶۰ |
| ۲ | ارتباط با جمهوری پنجم فرانسه |
| ۳ | انعقاد قرارداد اویان |
| ۴ | برگزاری انتخابات مجلس اول و ریاست جمهوری اول |

جدول شماره ۳

۴. اقدامات دولت موقت مهندس بازرگان در انقلاب اسلامی

از منظر دولت موقت، انقلاب به ثمر رسیده است و مردم و روحانیون وظایف خود را انجام داده‌اند و دیگر

وظیفه‌ای ندارند و باید میدان را خالی کرده، صحنه را برای ورود دولت‌مردان و تکنوکرات‌ها باز کنند. اما در چنین اوضاعی، مردم و روحانیون حاضر نبودند میدان را خالی کنند و اعتماد کافی به ملی‌گرایان و روشنفکران غرب‌زده نداشتند. از سویی دیگر، انتظار طبیعی مردم از دولت بعد از انقلاب این بود که بی‌عدالتی‌ها از میان برود و محرومیت طبقه فقیر و محروم جامعه مرتفع گردد و حکومت، حکومت محرومان و مستضعفان باشد. بعد از فرمان نخست‌وزیری مهندس بازرگان، مأموریت‌ها و مسئولیت‌هایی اعم از:

اجرای فراندوم و رجوع به آرای عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی؛ تشکیل مجلس مؤسسان برای تصویب قانون اساسی نظام جدید؛ برگزاری انتخابات مجلس نمایندگان ملت شامل دولت موقت می‌شد. (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۴۶)

جناب‌عالی را بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و بستگی به گروهی خاص، مأمور تشکیل دولت موقت می‌نمایم تا ترتیب اداره امور مملکت و خصوصاً انجام فراندوم و رجوع به آرای عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی و تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید و انتخاب مجلس نمایندگان ملت بر طبق قانون اساسی جدید را بدهید. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۵۴)

دولت موقت از همان آغاز، رویکردی متفاوت با جریان اسلام‌گرای انقلاب داشت و به شیوه خاص خود عمل می‌کرد. با نگاهی به فهرست وزرای دولت موقت می‌توان دید که بسیاری از آنها از لیبرال‌ها و ملی‌گرایان طرفدار مصدق بودند. (نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲: ۳۵)

امام خمینی علیه السلام اعلام کرد که حکومت پیشنهادی ایشان برای آینده کشور «جمهوری اسلامی» است که باید به آرای عمومی گذاشته شود و آن را «حکومت جمهوری، متکی به آرای عمومی و اسلامی، متکی به قانون اسلام» تعریف کرد. (خمینی، ۱۳۸۵: ۱۴۴) اما دولت موقت از موضع اسلام‌گرایان لیبرال در ۵۷/۱۱/۳۰ ناگهان اعلام کرد که در تعیین همه‌پرسی برای شکل رژیم، مردم باید به این سؤال پاسخ دهند که جمهوری دموکراتیک اسلامی آری یا نه؟ اما با تأکید امام، دولت موقت به برگزاری فراندوم اولویت داد. تا اینکه ۵۰ روز بعد از پیروزی انقلاب فراندوم برگزار شد و ۹۸ درصد مردم به جمهوری اسلامی رأی دادند. مارکسیست‌ها از اعضایشان خواسته بودند بنویسند: «جمهوری دموکراتیک خلق». که در کشور ۴۱۳ نفر این کار را کردند. (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۳۰۱)

اختلاف دیگر میان دولت موقت و انقلابیون در تشکیل مجلس مؤسسان بود. امام بر این باور بودند که باید قانون اساسی در وقت مناسب تهیه شود و متناسب با فقه اسلامی تدوین شود، لذا با تغییر نام مجلس «مؤسسان» به مجلس «خبرگان» و کاهش شمار اعضا، بر کارایی مجلس و سرعت عمل در تهیه قانون اساسی جدید تأکید کردند. دولت موقت نه‌تنها با تغییر شکل مجلس به شدت مخالف بود بلکه

خودسرانه تصمیم گرفتند مجلس خبرگان را منحل کنند که با قاطعیت امام تصمیم آنها بی‌اثر ماند. سه ماه بعد مردم پای صندوق‌های رأی آمدند و به نمایندگان مجلس شورای اسلامی رأی دادند. (زاهدی و فاطمی، ۱۳۹۳: ۱۹۷) در نهایت دولت موقت بازرگان بعد از تسخیر لانه جاسوسی بهانه‌ای برای استعفای خود در تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۵۸ یافت و استعفای خود را تسلیم امام خمینی کرد و امام نیز طی نامه‌ای به شورای انقلاب آن را تأیید نمودند.

| ردیف | اقدامات دولت موقت ایران |
|------|--|
| ۱ | تشکیل مجلس خبرگان برای تصویب قانون اساسی نظام جدید |
| ۲ | اجرای فراندوم و رجوع به آرای عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی |
| ۳ | برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی اول |

جدول شماره ۴

گام سوم: شباهت‌ها و تفاوت‌ها

در این مرحله مجموعه اقدامات اساسی و سرنوشت دولت‌های موقت مورد بررسی قرار می‌گیرد تا در منظر تطبیقی - تاریخی شباهت‌ها و تفاوت‌ها بحث شود.

۱. شباهت‌ها

با مقایسه دوران حاکمیت میانه‌روها در قالب دولت‌های موقت در چهار انقلاب روسیه، فرانسه، الجزایر و ایران می‌توان دریافت که برخلاف رویدادها و اتفاقات قبل از پیروزی انقلاب‌ها - که تفاوت‌های آشکاری را نشان می‌داد - در این مرحله تشابه نسبی در سیر تحولات بعد از پیروزی و عملکرد و سرنوشت نهایی میانه‌روها وجود دارد که به اهم آنها می‌پردازیم.

۱. میانه‌روها در هر چهار انقلاب، لیبرال‌هایی در الگو و چارچوب زمانی خویش بودند که به برقراری مشروطه سلطنتی و یا نظام جمهوری به‌جای سلطنت استبدادی باور داشتند.

۲. میانه‌روها در هر چهار انقلاب در فشار دو گروه محافظه‌کاران و انقلابی‌ها قرار داشتند. از یک سو به محافظه‌کاران بی‌اعتماد بودند و از سوی دیگر نمی‌توانستند بپذیرند انقلابی‌هایی که با آنها متحد بودند، روزی دشمن آنها خواهند شد.

۳. میانه‌روها با توجه به آرمان‌گرایی‌های سنتی خود از واقعیت و خواسته‌های مردم انقلابی غافل می‌ماندند و بر نظریات خود اصرار می‌ورزیدند.

۴. میانه‌روها اکثراً خواهان سازش، صبر و بردباری و اصلاح قانونی بودند و اعتقاد به انقلاب و ساخت یک جامعه مطلوب نداشتند.

۵. فرایند انتقال حکومت از میانه‌روها به انقلابی‌ها و تعبیر ناصحیح بریتون یعنی رادیکال‌ها، ناگهانی و در یک مرحله نبوده است، بلکه در چند مرحله و به تدریج صورت گرفته است. (بریتون، ۱۳۶۲: ۱۷۳ - ۱۷۱) برای نمونه بعد از استعفای بارزگان ابتدا بنی‌صدر به‌عنوان یک جریان شبه‌انقلابی در رأس قرار گرفت و سپس حزب جمهوری اسلامی و جریان انقلابی قدرت را به‌دست گرفتند.

۲. تفاوت‌ها

۱. میانه‌روهای فرانسه، روسیه و الجزایر از پایگاه نسبتاً گسترده و مستقلی برخوردار بودند و از آن طرف رادیکال‌ها نیز در اقلیت بودند. اما میانه‌روهای ایران در شرایطی به قدرت رسیدند که نه‌تنها پایگاه مردمی ضعیفی داشتند، بلکه مشروعیت آنها با تأیید و موافقت رسمی رهبری انقلاب و سپس حمایت انقلابیون مسلمان بود.

۲. در انقلاب فرانسه، روسیه و الجزایر، بیشتر انرژی و وقت انقلابیون صرف درگیری با میانه‌روها می‌شد و آنها فرصت کافی نداشتند تا به مواضع انقلابیون حمله کنند. این در حالی است که در انقلاب اسلامی نیروهای انقلابی هم‌زمان در چندین جبهه مختلف به مبارزه می‌پرداختند. از یک طرف با میانه‌روهایی که حاکمیت را در دست داشته و به ارزش‌های انقلاب بی‌اعتنا بودند و از سوی دیگر با ضد انقلاب داخلی و خارجی که توطئه می‌کردند. (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۲۶)

۳. در انقلاب فرانسه برخلاف دیگر انقلاب‌ها دولت موقت در واقع همان تندروها و به تعبیر بریتون رادیکال‌ها بودند که دولت موقت را تشکیل دادند و قربانی رویکردهای میانه‌رو در مراحل بعدی انقلاب شدند. البته در مجموع به‌دلیل طولانی شدن مراحل انقلاب فرانسه در حدود ۱۵۰ سال، پدیده عینی و مشخصی به نام دولت موقت در انقلاب فرانسه آشکارا قابل احصاء و بررسی دقیق نیست.

۴. هرچه به دوران معاصر نزدیک‌تر می‌شویم رویکرد دولت‌های موقت ساختارمندتر است و به‌دنبال طراحی و مقدمه‌سازی مؤلفه‌های اصلی حاکمیت از جمله دولت و پارلمان هستند و رویکردهایی ساختارساز دارند، تا منظری غیرساخت‌مند. به‌عنوان مثال در انقلاب فرانسه اقدامات خردی چون لغو حقوق و امتیازات فئودالی بیست روز پس از سقوط باستیل در چهار اوت ۱۷۸۹ و یا ضبط املاک وسیع کلیسا صورت می‌گیرد (نهر، ۱۳۹۲: ۲ / ۷۱۸ - ۷۱۵) و خبری از اقدامات کلانی چون تدوین قانون اساسی و برگزاری رفراندوم‌های سراسری همچون انقلاب اسلامی نیست.

۵. میانه‌روها در انقلاب ایران و الجزایر ارتباط و اتصال به بازیگران رژیم سابق ندارند و در عین مشی میانه‌رو، از نخبگان سیاسی دولت قبل در ایجاد دولت موقت بهره نمی‌برند و برخلاف انقلاب روسیه و فرانسه برخی نخبگان منتقد درون سیستمی از رژیم پیشین در ترکیب دولت موقت حضور ندارند. به‌عنوان

مثال در انقلاب فرانسه بخشی از اعضای «مجمع ملی» در ساختار سیاسی پادشاهی لویی شانزدهم نقش داشته‌اند. (همان: ۷۱۵)

۶. پایان دولت‌های موقت متفاوت رقم خورده است. در انقلاب فرانسه با اعدام سران دولت موقت، دولت منحل شده و در انقلاب روسیه با توجه به عدم تناسب عملکرد منشویک‌ها با خواسته انقلابیون، بلشویک‌ها جایگزین ایشان شدند، اما دولت موقت در انقلاب الجزایر و انقلاب اسلامی در واقع پس از استقرار نهادهای رسمی چون دولت و مجلس، کارکرد خود را پایان یافته دیده و پس از انتخابات مردم‌سالارانه جای خود را به نهادهای منتخب مردم سپرده‌اند. برای نمونه در انقلاب اسلامی، دولت موقت به فرمان حضرت امام مأمور به برگزاری رفراندوم تغییر نظام سیاسی، برپایی مجلس خبرگان قانون اساسی، برگزاری رفراندوم قانون اساسی و اجرای انتخاب مجلس شورای ملی بود. دولت موقت سه مأموریت نخست را انجام داد اما به دلیل عدم تناسب عملکرد این دولت با شعارهای انقلاب و اصطکاک با نهادهای انقلابی، در نهایت با استعفای بازرگان پس از تسخیر لانه جاسوسی در ۱۴ آبان ۱۳۵۸ موافقت شد و عمر این دولت پایان یافت. بازرگان پیش از این دوبار دیگر نیز استعفا داده بود، اما استعفای وی از سوی امام در آن شرایط پذیرفته نشد؛ چراکه دولت موقت باید مأموریت‌های اصلی را به پایان می‌رساند.

نتیجه

از جمله نقاط نسبتاً مشترک انقلاب‌های بزرگ روی کار آمدن دولت موقت میانه‌روها در مراحل آغازین انقلاب می‌باشد. در این پژوهش با توجه به نظریه کرین برینتون و در چارچوب مطالعه تطبیقی - تاریخی به بررسی شکل‌گیری، اقدامات و سرنوشت دولت‌های موقت پرداخته‌ایم. در گام اول به بررسی شرایط و زمینه‌های تاریخی انقلاب‌های بزرگ فرانسه، روسیه، الجزایر و انقلاب اسلامی ایران پرداخته شد. در گام دوم سعی کردیم تا به بررسی اقدامات انقلاب‌های بزرگ بپردازیم و در گام سوم به بیان نقاط اشتراک و افتراق این چهار انقلاب پرداخته شد و سرنوشت نهایی دولت‌های موقت با هم مقایسه گردید.

هر کدام از این دولت‌های موقت شرایط و اختصاصات خود را دارند و نمی‌توان آنان را عیناً پدیده‌هایی یکسان تصویر کرد. در مجموع دولت‌های موقت راه‌حلی بوده‌اند که انقلاب‌ها پس از مرحله پیروزی بدان روی آورده و به منظور کنترل و مدیریت فضای سیاسی و اجتماعی بعد از انقلاب دولتی اضطراری و حاصل از توافق اولیه میان بازیگران اصلی انقلاب فراهم آورده‌اند.

دولت‌های موقت در گام نخست بیشتر به دنبال تثبیت نظام سیاسی و کنترل اوضاع هستند و اقداماتی را در این جهت رقم می‌زنند. از جمله اقدامات مشترک دولت‌های موقت در انقلاب‌ها می‌توان به این موارد اشاره داشت: تعیین تکلیف نخبگان بازمانده از رژیم پیش از انقلاب، ایجاد ساختارهای قضایی، امنیتی و

نظامی موقت به جهت تثبیت شرایط رژیم جدید، فراهم آوردن ساختارهای قانونی و لازم جهت استقرار قانونی نظام سیاسی جدید.

از سوی دیگر هرکدام از دولت‌های موقت بررسی شده، ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که چنین قابل طرح است: دولت موقت انقلاب فرانسه برخلاف دولت‌های موقت دیگر انقلاب‌ها، مشیی میانه ندارد و بالعکس با کاربست خشونت افراطی انقلابی خود را نیز در دام خشونت دید و نماد آن یعنی روبسپیر در ماه ترمیدور که از ماه‌های تقویم فرانسوی پس از انقلاب فرانسه بود، اعدام شد. دولت موقت در انقلاب روسیه ترکیبی از انقلابیون تندرو، میانه‌رو و عناصر و نخبگان معترض رژیم پیشین بودند؛ ترکیبی که در دیگر دولت‌های موقت تکرار نشد. دولت موقت در انقلاب الجزایر در واقع تکامل نهضت آزادی‌بخش انقلاب بود و البته تلاش کرد بخشی از انقلاب را مصادره و فرحت عباس را به قدرت رساند، اما بعد از قوام انقلاب، بن‌بلا رئیس‌جمهور شد. دولت موقت الجزایر خارج از مرزهای سرزمینی الجزایر متولد شد و بعد از انقلاب در داخل کشور مستقر شد. دولت موقت در ایران برخلاف دیگر دولت‌های موقت از رهبران اصلی انقلاب خالی بود و در واقع تنها میانه‌روهای انقلابی که در سایه جریان اسلام‌گرای متمایل به امام خمینی رهبر به قدرت پس از انقلاب راه یافته بودند، دولت موقت را تشکیل دادند. الگوی جانشینی دولت‌های موقت نیز متفاوت بود و تقریباً به‌جز انقلاب فرانسه مابقی در چارچوب‌های قانونی پس از انقلاب قدرت را به ساختار پایدارتری تحویل دادند.

از آنچه رفت، مشخص می‌شود که دولت‌های موقت را می‌توان ایده مشترک انقلابیون پس از انقلاب به‌منظور تثبیت شرایط و گذر از سال‌های گذار اولیه انقلاب دانست، که تا حدی تأییدکننده ایده برینتون در مراحل انقلاب است. لکن ترکیب‌های متفاوت و سرنوشت‌های گوناگون دولت‌های موقت در انقلاب‌های مورد بحث با جبر تحلیلی و مراحل تحلیلی نظریه برینتون تطبیق ندارد و نمی‌توان ایده مشهور و پرتکرار ترمیدور را برای سرنوشت و نهایت انقلاب‌ها تجویز کرد که البته مؤیدات تاریخی نیز چنین اثبات می‌کنند.

منابع و مأخذ

۱. اخوان کاظمی، مسعود، علیرضا تارا و فرزاد رستمی، ۱۳۹۷، «انقلاب‌های بزرگ و چالش دیپلماسی»، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، سال هفتم، ش ۲۶، ص ۲۶-۷.
۲. ازغندی، علیرضا، ۱۳۶۵، *انقلاب الجزایر*، نهران، شرکت سهامی انتشار.
۳. اسکاچپول، تدا، ۱۳۹۹، *دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی*، ترجمه مجید روئین‌تن، تهران، سروش.
۴. اسماعیلی، خیرالله، ۱۳۸۰، *دولت موقت*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۵. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۵، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، ج ۶۵.
۶. برزین، سعید، ۱۳۷۸، *زندگی‌نامه سیاسی مهندس بازرگان*، تهران، نشر مرکز.
۷. برومند اعلم، عباس، ۱۳۹۱، «ظهور و کارکرد اسلام سیاسی در روند استقلال الجزایر»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال اول، ش ۳، ص ۴۱-۲۱.
۸. برینتون، کرین، ۱۳۶۲، *کالبدشکافی چهار انقلاب*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر نو.
۹. برینتون، کرین، ۱۳۷۰، *کالبدشکافی چهار انقلاب*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر نو.
۱۰. بصیرت‌منش، حمید و امین خانی، ۱۳۹۶، «تأثیر انقلاب الجزایر بر مبارزات سیاسی ایران به روایت انقلابیون ایرانی»، *تاریخ‌نامه انقلاب*، سال اول، دفتر دوم، شماره پیاپی ۲، ص ۸۵-۵۹.
۱۱. پزشک‌زاد، ایرج، ۱۳۸۳، *مروری در تاریخ انقلاب روسیه*، تهران، قطره.
۱۲. پناهی، محمدحسین، ۱۳۹۷، *نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها*، تهران، سمت.
۱۳. جلیسی، چوان، ۱۹۶۶، *ثورة الجزایر*، ترجمه عبدالرحمن صدقی ابوطالب، بی‌جا، بی‌نا.
۱۴. حجتی کرمانی، علی، ۱۳۵۳، «انگیزه‌های تاریخی فاجعه»، *مجله درس‌هایی از مکتب اسلام*، دوره ۱۵، ش ۴، ص ۲۸۶-۲۸۲.
۱۵. دان، جان. ام. ۱۳۸۳، *انقلاب روسیه*، ترجمه سهیل سمی، تهران، ققنوس.
۱۶. زاهدی، سعید و سعید فاطمی، ۱۳۹۳، *در میدان انقلاب روایتی مختصر از سه انقلاب بزرگ تاریخ (فرانسه، روسیه، ایران)*، قم، دفتر نشر معارف.
۱۷. سیار، غلامعلی، ۱۳۸۷، «انقلاب فرانسه در زیر ذره‌بین»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۲۵۰-۲۴۹، ص ۱۲۷-۱۰۶.
۱۸. شبان‌نیا، قاسم، ۱۳۹۱، «ارزیابی نظریه چرخش انقلاب‌ها و تطبیق آن بر انقلاب اسلامی ایران»، *فصلنامه علمی - پژوهشی معرفت سیاسی*، سال چهارم، ش ۲، ص ۱۴۰-۱۲۳.
۱۹. شقیری، احمد، ۱۳۵۱، *دفاع از فلسطین و الجزایر*، ترجمه ابراهیم یوسفی، تهران، امیرکبیر.
۲۰. طباطبایی، سید صادق، ۱۳۸۷، *خاطرات سیاسی - اجتماعی دکتر صادق طباطبایی*، تهران، عروج.
۲۱. فرو، مارک، ۱۳۵۷، *انقلاب روسیه*، ترجمه جمشید نبوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. فوزی، یحیی، ۱۳۸۴، *تحولات سیاسی اجتماعی پس از انقلاب اسلامی در ایران*، ج ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.

۲۳. کاپلان، لورنس، ۱۳۷۵، *مطالعه تطبیقی انقلاب‌ها از کرامول تا کاسترو*، ترجمه محمد عبداللهی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۴. کاظمی، علی، ۱۳۸۸، «بررسی تطبیقی انقلاب اسلامی با انقلاب‌های بزرگ دنیا»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ششم، ش ۱۸، ص ۱۳۰ - ۹۷.
۲۵. گویر، برخین، ۱۳۶۰، *تاریخ مختصر جهان*، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران، بین‌الملل.
۲۶. ماله، آلبر و ژول ایزاک، ۱۳۸۸، *تاریخ قرن هجدهم انقلاب کبیر فرانسه و امپراطوری ناپلئون*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، امیرکبیر.
۲۷. مجیدی، حسن و امید شفیعی، ۱۳۹۲، «مناسبات دولت موقت با نهادها و نیروهای سیاسی اجتماعی»، *فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال دوم، ش ۶، ص ۱۶۰ - ۱۴۳.
۲۸. محمدی، منوچهر، ۱۳۹۱، *انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه*، قم، تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی، دفتر نشر معارف.
۲۹. محمدی، منوچهر، ۱۳۹۷، *انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه*، قم، دفتر نشر معارف.
۳۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران، صدرا.
۳۱. ملکوتیان، مصطفی، ۱۳۸۱، *انقلاب‌های متعارض معاصر*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۲. ملکوتیان، مصطفی، ۱۳۹۵، *سیری در نظریه‌های انقلاب*، تهران، قومس.
۳۳. نش، کیت و آلن اسکات، ۱۳۸۸، *راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی*، ۲ ج، ترجمه محمدعلی قاسمی و قدیر نصری، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ ۱.
۳۴. نقیب‌زاده، احمد، ۱۳۸۸، *تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل از پیمان وستفالی تا امروز*، تهران، قومس.
۳۵. نهر، جواهر لعل، ۱۳۹۲، *نگاهی به تاریخ جهان*، تهران، امیرکبیر.
۳۶. نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲، *شورای انقلاب و دولت موقت*، تهران، مرکز نشر.
37. Britannica, 2019:
https://www.britannica.com/topic/Russian_Provisional_Government
38. Cambridge Dictionary, 2001:
<https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/intergovernmental?q=intergovernment>
39. Mahonet, James, 2001, Path Dependent explanations of regime change: Central America in Copparative perspective, Studies in Comparative.
40. Minces Gerand Chaliand and Juliettem, 1972, L' Algerie Independente, Paris.
41. Ragin, Charles, 2000, Fuzzy - Set Social Science, University of Chicago press.